

آمار؛ قطب‌نمای برنامه‌ریزی برای آینده



عاطفه خسروی
مدیر مسئول

برنامه‌ریزی برای آینده، پیش از هر چیز به شناخت واقعیت‌های امروز نیاز دارد؛ شناختی که نه با حدس و گمان، نه با برداشت‌های شخصی و نه صرفاً با ارزیابی‌های مقطعی، بلکه با اتکا به آمار معتبر و تحلیل علمی امکان‌پذیر می‌شود. آمار، زبان سنجش واقعیت و یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاست‌گذاری است؛ ابزاری که به دولت‌ها کمک می‌کند منابع محدود را هدفمند تخصیص دهند، اولویت‌های اقتصادی و اجتماعی را تشخیص دهند و پیامد تصمیم‌های خود را ارزیابی کنند.

در اقتصادی مانند ایران که با مسائلی چون تورم، نوسانات سرمایه‌گذاری، اشتغال، نابرابری منطقه‌ای، تغییرات جمعیتی، بحران آب و محدودیت منابع مالی روبه‌روست، اهمیت آمار بیش از آن است که صرفاً به انتشار گزارش‌های دوره‌ای محدود شود. آمار باید در قلب نظام تصمیم‌گیری قرار گیرد؛ از تدوین بودجه و طراحی سیاست‌های حمایتی گرفته تا برنامه‌ریزی برای توسعه صنعتی، تأمین امنیت غذایی، مدیریت انرژی و اصلاح نظام رفاهی.

کارکرد آمار تنها اعلام وضعیت روز اقتصاد یا تغییر یک شاخص نسبت به سال گذشته نیست. ارزش واقعی داده‌ها زمانی آشکار می‌شود که بتوان با استفاده از آنها روندها را شناسایی کرد، سناریوهای مختلف را سنجید و برای شرایط پیش‌رو تصمیم گرفت.

برای مثال، آمارهای جمعیتی زمانی در برنامه‌ریزی مؤثر خواهند بود که به پیش‌بینی نیاز آینده به مدرسه، دانشگاه، مسکن، شغل و خدمات درمانی منجر شوند. داده‌های بازار کار زمانی ارزش سیاستی پیدا می‌کنند که علاوه بر نرخ بیکاری، وضعیت اشتغال ناقص، کیفیت مشاغل، مشارکت اقتصادی و تفاوت‌های استانی را روشن کنند. همچنین، آمار تورم زمانی به ابزار مؤثر سیاست‌گذاری تبدیل می‌شود که تغییر هزینه زندگی گروه‌های مختلف درآمدی را نشان دهد و امکان ارزیابی قدرت خرید خانوارها را فراهم سازد. در حوزه بودجه نیز آمار می‌تواند مشخص کند کدام برنامه‌های حمایتی بیشترین اثربخشی را دارند، منابع عمومی در کدام بخش‌ها با اتلاف روبه‌رو هستند و چه مناطقی به سرمایه‌گذاری بیشتری نیاز دارند. بدون چنین اطلاعاتی، سیاست‌گذار ممکن است منابع را بر اساس فشارهای مقطعی یا برآوردهای ناقص توزیع کند و در نهایت نتواند اثر واقعی تصمیم خود را اندازه بگیرد.

بنابراین، فاصله میان تولید آمار و استفاده از آن در تصمیم‌گیری باید به حداقل برسد. انتخاقل داده به‌تنهایی نشانه تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد نیست؛ مسئله اصلی آن است که داده‌ها چگونه به سیاست تبدیل می‌شوند و آیا نتایج اجرای سیاست‌ها دوباره اندازه‌گیری و ارزیابی می‌شوند یا خیر.

از سوی دیگر ایران از ظرفیت‌های نهادی و تخصصی قابل توجهی در حوزه آمار برخوردار است. مرکز آمار ایران، بانک مرکزی و دستگاه‌های اجرایی هر یک در تولید بخشی از داده‌های اقتصادی، جمعیتی و اجتماعی نقش دارند. بنابراین مسئله مهم برای نظام آماري ایران، تنها افزایش حجم داده‌های تولیدشده نیست و برعکس یکی از الزامات اساسی، تقویت هماهنگی میان نهادهای تولیدکننده آمار و شفاف‌سازی روش‌های محاسبه شاخص‌هاست.

در بررسی آمارهای روز اقتصاد بسیار پیش می‌آید که با اعداد متفاوتی از سوی مراکز مختلف آماري مواجه شویم. مثلاً بانک مرکزی یک عدد را برای نرخ تورم اعلام می‌کند و مرکز آمار عدد دیگری را. هنگامی که دو مجموعه آماري درباره یک موضوع، ارقام متفاوتی منتشر می‌کنند، توضیح تفاوت در جامعه آماري، دوره زمانی، روش نمونه‌گیری یا تعریف شاخص برای حفظ اعتماد عمومی ضروری است. ذکر این نکته هم الزامی است که اختلاف آماري لزوماً به معنای نادرستی یکی از داده‌ها نیست؛ اما نبود توضیح روشن درباره روش‌ها، اختلاف نظر و الگوهای آمارگیری، می‌تواند استفاده از آمار را دشوار کند.

در نهایت اینکه؛ آینده را نمی‌توان با قطعتی پیش‌بینی کرد، اما می‌توان با داده‌های دقیق‌تر، سناریوهای واقع‌بینانه‌تر و برنامه‌ریزی پاسخ‌گوتر برای آن آماده شد.

آمار دقیق و قابل اتکا، زیربنای تصمیم‌گیری آگاهانه در اقتصاد و یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاست‌گذاران برای شناخت واقعیت‌های اقتصادی، تعیین اولویت‌ها و تخصیص بهینه منابع محدود است.

تصمیم‌گیران اقتصادی برای تدوین بودجه، کنترل تورم، سیاست‌گذاری پولی و مالی، مدیریت بازار کار، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و برنامه‌ریزی برای رشد و سرمایه‌گذاری، به داده‌هایی منسجم، به‌روز و قابل مقایسه نیاز دارند.

نبود آمار معتبر یا وجود داده‌های متناقض می‌تواند به تشخیص نادرست مسائل، اتخاذ سیاست‌های ناکارآمد و تحمیل هزینه‌های اضافی به دولت، بنگاه‌ها و خانوارها منجر شود.

از سوی دیگر، آمار تنها برای توصیف وضعیت موجود کاربرد ندارد؛ بلکه با آشکار کردن روندها، شناسایی ریسک‌ها و امکان ارزیابی نتایج سیاست‌ها، به تصمیم‌گیران کمک می‌کند پیش از تسدید مشکلات، مسیر اقدامات خود را اصلاح کنند. در واقع، هرچه کیفیت آمار، شفافیت روش‌های تولید آن و هماهنگی میان نهادهای آماري بیشتر باشد، امکان تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد، پاسخ‌گویی در برابر نتایج و برنامه‌ریزی واقع‌بینانه برای آینده اقتصاد نیز افزایش می‌یابد.

این ساختار مهم‌ترین پیوند میان آمار و توسعه است؛ پیوندی که اهمیت روز ملی آمار و برنامه‌ریزی را از یک نمادین نمادین به ضرورتی برای حکمرانی بهتر تبدیل می‌کند.

اقتصاد و توسعه

ارقام فرمایشی

رسید. در این سال، اداره آمار و سرشماری از اداره کل آمار و ثبت‌احوال منتزع و به سازمان همکاری آمار عمومی ملحق شد. به این ترتیب برای نخستین بار سازمانی که به‌طور انحصار وظیفه جمع‌آوری آمار را به عهده داشت به وجود آمد که در سال ۱۳۳۴ هجری شمسی به اداره آمار عمومی، وابسته به وزارت کشور، تغییر نام یافت و این اداره، در سال ۱۳۳۵ هجری شمسی اولین سرشماری عمومی نفوس را در کل کشور به‌اجرا درآورد. از سویی آمار و برنامه‌ریزی به‌عنوان ابزارهای لازم در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور شناخته می‌شود. از این رو جمع‌آوری داده‌ها در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری دولتمردان و سیاست‌گذاران برای ساختن آینده جامعه بسیار موثر است. و از سوی دیگر امروزه لازمه حکمرانی خوب وجود نظام آماري مطلوب، شفاف و پاسخگو است. بنابراین بر خور داری از آمارهای متقن در همه امور، اعم از سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، تعیین اهداف و خط‌مشی‌ها، تا انجام مهم است که بسیاری از کارشناسان، اطلاعات آماري را زیربنای همه برنامه‌ریزی‌ها به

در مقایسه نظام آماری ایران با جهان مطرح شد

چالش هماهنگی در نظام آماری ایران



شاخص‌های عملکرد آماری کشورهای جهان

می‌کنند، پیش از هر قضاوتی باید جامعه آماري، دوره زمانی، روش محاسبه و تعریف شاخص بررسی شود. تفاوت آمارها لزوماً به معنای نادرستی یکی از آنها نیست؛ اما اگر علت اختلاف به‌روشنی توضیح داده نشود، استفاده از داده‌ها برای تحلیل و تصمیم‌گیری دشوار خواهد شد.

یکی دیگر از ضرورت‌های نظام آماري ایران، تقویت پیوند میان اطلاعات تولیدشده در دستگاه‌های مختلف است. اطلاعات مالیاتی، بیمه‌ای، ثبتی، جمعیتی و اقتصادی، در صورت اتصال استاندارد و امن، می‌توانند تصویری دقیق‌تر از وضعیت کشور ارائه دهند. چنین رویکردی امکان کاهش دوباره کاری، شناسایی خلأهای اطلاعاتی و افزایش سرعت تولید شاخص‌ها را فراهم می‌کند. این تحول البته صرفاً یک پروژه فناوری نیست. هماهنگی قانونی و نهادی، تعیین مسئولیت دستگاه‌ها، رعایت محرمانگی اطلاعات و تضمین استقلال حرفه‌ای تولیدکنندگان آمار، از الزامات اساسی آن به شمار می‌روند.

کره جنوبی؛ سرشماری با تکیه بر داده‌های ثبتی

کره جنوبی نمونه‌ای مهم در زمینه استفاده از اطلاعات اداری برای تولید آمار رسمی است. این کشور از سال ۲۰۱۵ برای تهیه اطلاعات پایه جمعیت، خوار و مسکن، روش سرشماری ثبتی را به کار گرفته است؛ روشی که در آن، اطلاعات منابعی مانند ثبت جمعیت و سوابق ساختمان‌ها برای تولید آمار استفاده می‌شوند و برای برخی ویژگی‌های نیز می‌توان از بررسی‌های تکمیلی بهره گرفت. مزیت چنین رویکردی، کاهش نیاز به مراجعه مستقیم به تمام خانوارها، کاهش بخشی از هزینه‌های میدانی و امکان به‌روزرسانی منظم‌تر برخی اطلاعات است. البته استفاده از داده‌های ثبتی به‌تنهایی همه نیازهای آماري را برطرف نمی‌کند؛ اطلاعاتی مانند نگرش‌های اجتماعی، برخی ویژگی‌های بازار کار یا جزئیات شرایط زندگی ممکن است همچنان به پیمایش‌های تخصصی نیاز داشته باشند. برای ایران، توسعه این الگو می‌تواند به معنای بهره‌گیری هدفمندتر از داده‌های موجود در دستگاه‌های اجرایی و ترکیب آنها با سرشماری‌ها و پیمایش‌های نمونه‌ای باشد. با این حال، موفقیت آن به کیفیت ثبت‌های اداری، یکسان‌بودن تعاریف، پوشش مناسب جمعیت و حفاظت از اطلاعات شخصی بستگی دارد. صرف اتصال پایگاه‌ها بدون سازوکارهای کنترل کیفیت، ممکن است خطاهای موجود را به آمارهای جدید منتقل کند.

آمار؛ زیر ساخت توسعه و حکمرانی بهتر

روز ملی آمار و برنامه‌ریزی باید فرصتی برای سنجش فاصله میان تولید داده و تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد باشد. پرسش اصلی این نیست که چه تعداد شاخص و گزارش آماري منتشر می‌شود؛ بلکه این است که آیا این اطلاعات به تصمیم‌های بهتر، تخصیص کارآمدتر منابع، کاهش خطاهای سیاستی و بهبود زندگی مردم منجر می‌شوند؟ تجربه کانادا بر استقلال حرفه‌ای، شفافیت و دسترسی عمومی تأکید دارد؛ کره جنوبی نشان می‌دهد چگونه داده‌های ثبتی می‌توانند بخشی از فرآیند سستی سرشماری را متحول کنند؛ و تجربه هلند بر پیوند منابع داده و کنترل کیفیت متمرکز است. این کشورها الگوهای یکسانی ندارند، اما همگی نشان می‌دهند که کارآمدی نظام آماري به مجموعه‌ای از نهاده‌ا، استانداردها، فناوری‌ها و سازوکارهای اعتمادساز وابسته است. برای ایران نیز مسیر پیش‌رو، نه صرفاً تولید داده‌های بیشتر، بلکه ساختن نظامی هماهنگ‌تر، شفاف‌تر، به‌روزتر و قابل اتکاتر است؛ نظامی که بتواند اطلاعات را به شناخت، شناخت را به برنامه و برنامه را به نتیجه قابل ارزیابی تبدیل کند.

کانادا؛ استقلال حرفه‌ای و دسترسی برابر به اطلاعات

و استفاده برابر از اطلاعات افزایش می‌یابد. در عین حال، کانادا نیز با چالش‌هایی مانند هزینه تولید داده، نیاز به نوسازی زیرساخت‌های دیجیتال و دشواری یکپارچه‌سازی اطلاعات دستگاه‌های مختلف مواجه است. راهبرد داده این کشور بر بهبود قابلیت دسترسی، تعامل‌پذیری، استفاده مجدد و امنیت داده‌ها تأکید دارد.

برای ایران، درس مهم این تجربه آن است که انتشار آمار باید از برنامه‌ای موردی و وابسته به شرایط به فرآیندی شفاف، منظم و قابل پیش‌بینی تبدیل شود. اعلام تقویم انتشار، ارائه توضیح درباره تغییر روش‌ها و فراهم‌کردن دسترسی مناسب پژوهشگران به داده‌های غیرمحرمانه، می‌تواند استفاده از آمار را در سیاست‌گذاری و پژوهش تقویت کند.

هلند؛ کیفیت داده و پیوند میان پایگاه‌های اطلاعاتی

جمع‌آوری شود، باید سازوکارهایی برای شناسایی مغایرت‌ها، ارزیابی پوشش داده‌ها و اصلاح خطاها وجود داشته باشد. هلند در کنار استفاده از منابع ثبتی، بر توسعه روش‌شناسی، ارزیابی کیفیت و شفاف‌سازی فرآیندهای تولید آمار تأکید دارد. برای ایران، این تجربه یادآور آن است که ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی گسترده بدون نظام استاندارد کنترل کیفیت، لزوماً به تصمیم‌گیری بهتر منجر نمی‌شود. پیوند داده‌ها باید با تعریف مسئولیت هر دستگاه، ثبت سابقه اصلاحات، ارزیابی خطاها و نظارت بر نحوه استفاده از اطلاعات همراه باشد.

آمار به تنهایی تضمین‌کننده تصمیم درست نیست

بسنجد که سیاست مورد نظر تا چه اندازه به اهداف خود رسیده است.

از همین منظر، کیفیت برنامه‌ریزی تنها به تدوین اهداف بلندپروازانه وابسته نیست؛ بلکه به امکان سنجش‌پذیر کردن اهداف، دسترسی به داده‌های معتبر و اصلاح مسیر بر اساس نتایج واقعی بستگی دارد. برنامه‌ای که شاخص‌های مشخص، خط پایه آماري، زمان‌بندی ارزیابی و سازوکار پاسخ‌گویی نداشته باشد، ممکن است در اجرای اسناد و مصوبات باقی بماند، بی‌آنکه میزان تحقق اهداف آن به‌روشنی مشخص شود. در مقابل، برنامه‌ریزی مبتنی بر شواهد این امکان را فراهم می‌کند که فاصله میان اهداف و عملکرد شناسایی شود، منابع به بخش‌های اثربخش‌تر اختصاص یابد و خطاهای سیاستی پیش از آنکه هزینه‌های سنگین‌تری ایجاد کنند، اصلاح شوند.

البته آمار به‌تنهایی تضمین‌کننده تصمیم درست نیست. داده‌های ناقص یا دیر هنگام، تفسیر نادرست شاخص‌ها و بی‌توجهی به شواهد علمی می‌توانند به تصمیم‌هایی منجر شوند که با وجود بر خور داری از ظاهر عددی و کارشناسی، با واقعیت‌های جامعه فاصله دارند. از این‌رو، تقویت نظام آماري باید هم‌زمان با

ایران از ظرفیت‌های نهادی و تخصصی قابل توجهی در حوزه آمار برخوردار است. مرکز آمار ایران، بانک مرکزی و دستگاه‌های اجرایی در تولید بخشی از داده‌های اقتصادی، جمعیتی و اجتماعی نقش دارند. اما گاهی نه تنها از این ظرفیت‌ها به درستی استفاده نمی‌شود بلکه تداخل آماري و اطلاعاتی مراکز مختلف در دسرساز هم می‌شود.

شاید همین تعدد مراکز و تداخل اطلاعاتی ناشی از آمارهای موازی یکی از مهم ترین چالش‌های نظام آماری ایران باشد. برای مقایسه نظام‌های آماري، نمی‌توان تنها به تعداد گزارش‌ها یا گستردگی پایگاه‌های اطلاعاتی تکیه کرد. در این گزارش به بهانه روز آمار و برنامه‌ریزی به مقایسه نظام آماری ایران با برخی از کشورهای جهان پرداخته ایم.

بانک جهانی در چارچوب «شاخص‌های عملکرد آماری» یا SPI، نظام‌های آماری کشورها را در پنج محور ارزیابی می‌کند: استفاده از داده‌ها، خدمات آماری، محصولات آماری، منابع داده و زیرساخت آماری. این چارچوب تلاش می‌کند علاوه بر تولید آمار، میزان استفاده از آن و ظرفیت نهادی و فنی نظام آماري را نیز بسنجد.

بر اساس داده‌های سال ۲۰۲۴ این شاخص، امتیاز کلی ایران ۷۳.۷ از ۱۰۰ و امتیاز کره جنوبی ۹۱.۶ بوده است. این فاصله نشان‌دهنده تفاوت در ارزیابی کلی عملکرد آماری دو کشور در چارچوب بانک جهانی است؛ اما به‌تنهایی مشخص نمی‌کند که اختلاف دقیقاً از کدام عامل ناشی شده یا کیفیت همه آمارهای یک کشور از کشور دیگر بهتر است. برای چنین نتیجه‌گیری‌ای باید امتیازهای جزئی، روش‌شناسی و محدودیت‌های هر شاخص نیز بررسی شوند.

اهمیت این مقایسه در آن است که عملکرد نظام آماری را باید مجموعه‌ای

تجربه کانادا نشان می‌دهد که نظام آماری تنها با تولید داده‌های دقیق شکل نمی‌گیرد؛ بلکه قواعد روشن درباره استقلال حرفه‌ای، انتشار اطلاعات و پاسخ‌گویی نیز اهمیت دارند.

مرکز آمار کانادا، بر اساس قانون آمار این کشور، مسئول تولید و انتشار اطلاعات مربوط به جمعیت، اقتصاد، جامعه و محیط‌زیست است. این نهاد بر استفاده از روش‌های علمی، شفافیت روش‌شناسی، حفاظت از اطلاعات محرمانه و دسترسی عمومی به محصولات آماری تأکید دارد. همچنین، انتشار منظم اطلاعات از طریق بولتن رسمی این نهاد، به کاربران امکان می‌دهد زمان انتشار داده‌های مهم را از پیش دنبال کنند. یکی از نکات مهم در تجربه کانادا، پیوند میان دسترسی به داده و اعتماد عمومی است. هنگامی که روش محاسبه شاخص‌ها توضیح داده می‌شود، زمان انتشار مشخص است و داده‌ها در دسترس گروه‌های مختلف قرار می‌گیرند، امکان بررسی مستقل

تجربه هلند نیز از نظر مدیریت کیفیت و استفاده از داده‌های ثبتی قابل توجه است. اداره آمار این کشور، اطلاعات مورد نیاز خود را از ترکیب منابع اداری، ثبت‌های دولتی و تجاری و پیمایش‌های مستقیم تأمین می‌کند. این رویکرد به کاهش بار پاسخ‌گویی شهروندان و کسب‌وکارها کمک می‌کند و امکان تولید اطلاعات دقیق‌تر و به‌روزتر را فراهم می‌سازد.

در این مدل، وجود پایگاه داده به‌تنهایی کافی نیست؛ کیفیت اطلاعات و امکان پیوند درست آنها نیز اهمیت دارد. برای مثال، اگر اطلاعات درآمد، نشانی، اشتغال یا فعالیت اقتصادی از منابع مختلف